



## دادرسی کیفری ویژه اطفال در حقوق ایران\*

دکتر ح. مؤذن زادگان

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

### چکیده

دادرسی کیفری ویژه اطفال که از بدو تماس کودک و نوجوان با مقامات انتظامی و قضایی، به لحاظ ارتکاب اعمال مغایر با قانون جزا، تا خاتمه رسیدگی به اتهام او جریان دارد، از حیث ضرورت تأمین هدف والای انسانی اصلاح و تربیت و پیشگیری از وقوع جرم ا ایشان، واجد اهمیت فراوان است.

شیوه دادرسی اطفال و نوجوانان دارای وجوه افتراق متعددی با شیوه دادرسی بزرگسالان می‌باشد. از جمله این که پلیس و قضاتی که منحصراً یا غالباً در دادرسی اطفال فعالیت دارند، باید از طریق ایجاد دوره‌های آموزشی با علوم مختلفی از قبیل روان شناسی کودک، مددکاری اجتماعی و جرم شناسی آشنایی کاملی داشته باشند. دادرسی باید کاملاً غیرعلنی و با حفظ حریم اطفال انجام گیرد. تشکیل پرونده شخصیت که حاوی اظهار نظر متخصصان مختلف علوم پزشکی، روان‌شناسی، مددکاری و جرم شناسی است، در کنار پرونده کیفری به منظور اتخاذ واکنش مناسب با شخصیت و منش طفل یا نوجوان ضرورت دارد.

نگارنده در مقاله حاضر، خطوط اصلی دادرسی کیفری ویژه اطفال را در حقوق عرفی و اسناد بین‌المللی با حقوق موضوعه ایران مقایسه کرده است. همچنین لایحه اخیر پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار داده است. این لایحه در صورت تصویب نهایی، گامی مؤثر در ارتقاء دادرسی ویژه اطفال محسوب می‌شود.

\* مقاله حاضر در همایش سراسری حقوق اطفال در آذر ۱۳۸۲ انتخاب و ارائه گردید.



به نظر می‌رسد که شیوه دادرسی ویژه کیفری اطفال در حقوق عرفی با موازین حقوق اسلام، مغایرتی ندارد و در متون معتبر فقهی هیچ‌گونه ردعی و منعی در اعمال این دادرسی به چشم نمی‌خورد.

## واژگان کلیدی

دادرسی ویژه اطفال، دادگاه ویژه اطفال، تعقیب و تحقیقات مقدماتی، تسریع در رسیدگی، رسیدگی غیرعلنی، بازداشت پیش از محاکمه

دادرسی کیفری در مفهوم عام که به نحوه کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و محاکمه متهمان و نیز طرق اعتراض به آراء کیفری در مراجع صالح قضایی و کیفیت اجرای احکام اطلاق می‌شود، با هدف تأمین منافع بزه دیدگان، رعایت حقوق دفاعی متهمان، امنیت قضایی و نظم عمومی تدوین گردیده و از اهمیت والایی برخوردار است.

طبق حقوق کیفری عرفی و حقوق اسلام، اطفال و نوجوانان در صورت ارتکاب جرم فاقد مسؤولیت کیفری هستند، لیکن ضرورت وصول به هدف های متعالی تعلیم و تربیت و نوسازی شخصیت و منش و پیشگیری از تکرار جرم آنان و تأمین امنیت قضایی و جبران خسارت بزه دیدگان، ایجاب می‌کند که نظام قضایی کشورها در تأمین اهداف مزبور، موضوع ارتکاب جرم را پیگیری و واکنش جزایی مبتنی بر اصول علمی اتخاذ نمایند.

در زمینه دادرسی، شرایط خاص روحی-روانی و اجتماعی اطفال و نوجوانان که با ارزشهای اجتماعی سرسبز داشته و معارض با قانون شناخته شده‌اند، و ظرافت‌های مخصوص مواجهه با آنان در تأمین اهداف عالی تعلیم و تربیت و بازسازی اجتماعی ایشان، موجب گردیده است که تعقیب، تحقیقات مقدماتی و نحوه محاکمه ویژه‌ای متمایز از بزرگسالان در رسیدگی به اتهام آنان معمول شود. لذا دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در نظام های دادرسی کیفری به نحوی مجزی تدوین شده است.

دادرسی ویژه اطفال به مجموعه قواعدی منسجم گفته می‌شود، که در زمینه کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدمات و نحوه دادرسی باید از بدو تماس کودک و نوجوان با



مقامات انتظامی و قضایی به لحاظ ارتکاب اعمال مغایر با قانون، تا خاتمه رسیدگی به اتهام او به منظور تأمین هدف والای انسانی حفظ منافع عالی کودکان و نوجوانان. رعایت گردد. در حقوق اسلام، مستند به کتب فقهی امامیه (باب قضاء) شیوه‌ای متمایز از بزرگسالان برای رسیدگی به اطفال مقرر نگردیده است (الجبلی العالمی. بی تا، ج ۳، ص ۶۱-۱۲۵؛ محقق حلی، ۱۳۸۹ هج ۴، ص ۷۲-۱۲۲) لیکن با توجه به احادیث فراوانی که مبتنی بر سفارش اکید به تکریم شخصیت، تربیت و آموزش و نگهداری بنحو احسن کودکان، حتی از زمان پیش از انعقاد نطفه و زمان حیات جنینی در رحم مادر تا دوران تولد و رسیدن به سن کمال عقل، در کتب معتبر حدیث موجود است (حر عاملی، ۱۳۹۹ هج ۱۵، ص ۹۴-۲۲۲). به نظر می‌رسد که اصول دادرسی کیفری عرفی ویژه اطفال که در حقوق موضوعه کشورها به منظور وصول به هدف مقدس تعلیم و تربیت و حفظ مصالح عالی کودکان معارض با قانون پیش‌بینی شده است (دانش، ۱۳۷۸، ص ۵۲-۱۵۲) و متضمن جلب منافع و دفع مضار از ایشان می‌باشد و از حسن ذاتی برخوردار است، مغایرتی با موازین حقوق اسلام و فقه امامیه ندارد.

در مقاله حاضر، از آن جا که خطوط اصلی ویژگی‌های دادرسی کیفری عرفی اطفال و نوجوانان از اسناد بین‌المللی ناظر به حقوق کودک بویژه دو سند مهم پیمان حقوق کودک<sup>۱</sup> و حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن)<sup>۲</sup>، اقتباس گردیده است، ویژگی‌های مزبور را از این اسناد استخراج نموده و کیفیت اعمال آنها را در حقوق ایران مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهیم.

۱- معاهده حقوق کودک (Convention on the rights of the child, 1989) مصوب ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد است. دولت جمهوری اسلامی ایران حسب ماده واحده مصوب اسفند ماه سال ۱۳۷۲ بنحو مشروط به معاهده مزبور ملحق گردیده است. طبق مصوبه مزبور، هرگاه مفاد معاهده در هر زمان و هر مورد، در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نمی‌باشد.

۲- مجموعه قواعد حداقل ملل متحد درباره مدیریت و اعمال عدالت کیفری اطفال یا برای دادرسی ویژه نوجوانان مصوب ۱۹۸۵ (UN Standard Minimums for the admistiration of)





نگارنده این سطور با تحلیل مواد قانون آیین دادرسی کیفری ایران، مبرهن خواهد کرد که مقنن مقررات ویژه ای در دادرسی اطفال پیش بینی نموده است. اما وافی به مقصود نیست. همچنین در این مقاله مواد لایحه اخیر قوه قضائیه در مورد تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان که در صورت تصویب نهایی در مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان گامی در جهت ارتقاء مقررات حاضر محسوب می شود، مورد بررسی قرار گرفته است.

### ضرورت تشکیل دادگاه ویژه اطفال

به منظور تأمین هدف مقدس حمایت از منافع و مصالح عالییه کودکان و نوجوانان معارض با قانون، با وجود این که اصل تساوی افراد در برابر قانون و دادگاهها در قوانین اساسی (اصول ۲۰ و ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) متضمن ممانعت از تشکیل دادگاههای ویژه در رسیدگی به جرایم گروههای اجتماعی خاص است، لیکن با توجه به دستاوردهای علوم جنایی و جرم شناسی (آشوری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۷) و توصیه اسناد بین المللی، در نظامهای دادرسی کیفری غالب کشورها، دادگاه ویژه اطفال با صلاحیت اختصاصی رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان تشکیل شده است (دانش، ۱۳۷۸، ص ۲-۲۵۴).

بند سوم قسمت «ب» ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک، تشکیل مرجع قضایی واجد صلاحیت مستقل و بی طرف را در مورد رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان پیش بینی و مقرر کرده است.

juvenile justice, 1985) در قالب قطعنامه به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است. با توجه به این که پیش نویس این قطعنامه در اجلاس تدارکاتی بین منطقه ای سازمان ملل برای کنفرانس هفتم در سال ۱۹۸۴ راجع به «جوانان، جرم و عدالت» در بیجینگ (پکن - چین) مورد بررسی و تجدید نظر نهایی قرار گرفت، به قواعد بیجینگ یا مقررات پکن نیز مشهور است. بنگرید به: مریم عباچی، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۸-۱۹.



در حقوق ایران تا قبل از تشکیل دادگاه‌های اطفال مصوب سال ۱۳۳۸ مرجع قضایی مستقل واجد صلاحیت برای رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان پیش‌بینی نشده بود. با تصویب قانون مزبور دادگاه ویژه اطفال پیش‌بینی و مقرر گردید.

با تصویب قانون اصلاح برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۶۱، و تشکیل دادگاه‌های کیفری او ۲، حسب رأی وحدت رویه قضایی شماره ۶-۶۴/۲/۲۳، دادگاه ویژه اطفال از نظام قضایی حذف و رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان بر حسب نوع و شدت جرم ارتكابی در صلاحیت دادگاه‌های کیفری او ۲ قرار گرفت (ناصرزاده، ۱۳۷۲، ص ۶۰-۶۱).

مقنن برای رفع خلأ مذکور وفق تبصره ماده ۸ آیین نامه اجرایی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۷۳ مقرر نمود که رئیس قوه قضائیه می‌تواند در هر حوزه قضایی، هر یک از قضات دادگاه‌های عمومی را با ابلاغ خاص برای رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان منصوب نماید.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، حسب تبصره فوق‌الذکر دادگاه‌های ویژه ای برای رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان پیش‌بینی نشده است، بدکه شععی از دادگاه‌های عمومی به اختیار رئیس قوه قضائیه می‌تواند برای این امر اختصاص یابد. همین رویه به موجب ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۷۸ ادامه یافت. ماده ۲۱۹ مقرر می‌دارد: «در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز یک یا چندشعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال اختصاص داده می‌شود.»

در تبصره ۱ همان ماده، منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و وفق تبصره ۱ ماده «۱۲۱۰ قانون مدنی» حد بلوغ شرعی در پسران ۱۵ سال تمام قمری و در دختران ۹ سال تمام قمری است، لیکن مقنن آیین دادرسی کیفری در تبصره ماده ۲۲۰ مقرر داشته است که به کلیه جرایم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام نیز در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شود.



در عین حال، همان طور که گفته شد، برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال دادگاه ویژه‌ای پیش‌بینی نشده است. ماده ۲۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح می‌کند که اختصاصی بودن بعضی از شعب دادگاه عمومی مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن شعب نمی‌باشد. بخشنامه شماره ۱/۷۸/۱۱۰۵ مورخ ۷۸/۱۱/۱۵ رئیس قوه قضائیه به رؤسای کل دادگستری استانها نیز در راستای اعمال مواد ۲۱۹ و ۲۳۱ موید این مطلب است که در نظام قضایی ایران دادگاه ویژه اطفال موضوعیت ندارد (داره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵) و مقنن دادگاه تخصصی و ویژه‌ای که انحصاراً به اتهامات اطفال و نوجوانان رسیدگی کند، پیش‌بینی و مقرر نکرده است و این یکی از نقایص عمده نظام قضایی ایران در دادرسی کیفری اطفال محسوب می‌شود (آخوندی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۳۶). ماده ۱ لایحه پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان در جهت رفع این نقیصه مقرر می‌دارد: «به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان که سن آنان بیش از ۶ سال و کمتر از ۱۸ سال تمام خورشیدی است در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود».

طبق ماده ۹ لایحه مزبور، از حیث صلاحیت محلی دادگاه اطفال و نوجوانان، علاوه بر معیار محل ارتکاب جرم در حوزه قضایی دادگاه که مطابق قانون آیین دادرسی کیفری ایران در مورد رسیدگی به جرایم بزرگسالان مصداق دارد. چنانچه محل دستگیری طفل یا نوجوان هم در حوزه قضایی دادگاه باشد، صلاحیت دادگاه اطفال در رسیدگی به اتهام طفل توسعه یافته است. همچنان که حسب ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب سال ۱۳۳۸، دادگاه اطفال محل ارتکاب جرم یا محل اقامت و یا محل دستگیری طفل صلاحیت رسیدگی داشت. این موضوع از حیث تسهیل در رسیدگی و تعیین تکلیف هر چه سریع‌تر طفل در انجام تحقیقات، دادرسی و صدور حکم، مبتنی بر اصول دادرسی کیفری است. در قانون آیین دادرسی کیفری فعلی ایران، با توجه به این که در مواد ۲۱۹-۲۳۲، قانونگذار در مورد صلاحیت محلی دادگاه عمومی رسیدگی کننده به جرایم اطفال ساکت است، ناچار باید به مواد عمومی قانونی مزبور در مورد صلاحیت دادگاه عمومی مراجعه کرد. طبق مواد ۵۱-۵۸ این قانون ناظر بر صلاحیت، در حال حاضر، دادگاه



عمومی رسیدگی کننده به جرایم اطفال فقط در صورت ارتکاب جرم در حوزه قضایی او، صلاحیت رسیدگی به اتهام طفل یا نوجوان را دارد.

دادگاه محل دستگیری، اقامت طفل یا نوجوان، یا محل کشف جرم باید تحقیقات مقدماتی را انجام داده، پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه محل وقوع جرم ارسال نماید.

### شیوه انتخاب و شرایط خاص قضات اطفال

قضات دادگاه‌های اطفال و نوجوانان باید به منظور اتخاذ تصمیم، صدور حکم و در پیش گرفتن روشی در مورد ایشان که سرانجام منجر به بازسازگار کردن اجتماعی، هدایت و تعلیم و تربیت و پیشگیری از تکرار جرم آنان شود، مسلط به حقوق و روان شناسی کودک، جامعه شناسی، روان شناسی جنایی و جرم شناسی باشند (دانش، ۱۳۷۸، ص ۴۹). به موجب ماده ۶ حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل برای دادرسی ویژه اطفال، قضات دادگاه‌های اطفال باید به منظور اتخاذ روشهای مناسب منطبق با شخصیت اطفال و نوجوانان تحت پیگرد قضایی، صلاحیت و شایستگی لازم را دارا باشند.

در حقوق ایران در ماده ۲ قانون تشکیل اطفال بزهدکار مصوب سال ۱۳۳۸، تصریح شده بود که قضات دادگاه اطفال باید از بین قضاتی انتخاب شوند که صلاحیت آنان برای این امر با رعایت سن و سوابق خدمت وجهات دیگر محرز باشد.

اما با تصویب قانون اصلاح برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۶۱، متعاقباً قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۷۳ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۸۱، همچنین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۷۸ که امر رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان را به دادگاه‌های عمومی جزایی محول نموده است، انتخاب قضات رسیدگی کننده به اتهامات اطفال و نوجوانان از شرایط ویژه ای تبعیت نمی‌کند و این، نقص دیگری در نظام قضایی ایران محسوب می‌شود. لیکن، به منظور رفع این نقص، به موجب ماده ۷ لایحه پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان به رئیس قوه قضائیه تکلیف شده است که قضات دادگاه‌های اطفال را از بین قضاتی انتصاب نماید که حداقل ۵ سال



سابقه خدمت قضایی داشته باشند و شایستگی آنان برای دادرسی اطفال از قبیل متأهل بودن و ترجیحاً داشتن فرزند و گذراندن دوره‌های خاص آموزشی محرز باشد.

## تعقیب و تحقیقات مقدماتی

ماده ۱۲ حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه اطفال به لحاظ ضرافت خاص و حساسیت مسائل مربوط به مرحله مقدماتی رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان، تعقیب و تحقیقات ناظر به مرحله مزبور را به عهده ضابطان قضایی ورزیده و آموزش دیده و متبحر و مسلط امکان پذیر دانسته است.

ماده ۱۲ مزبور مقرر می‌دارد: «افسران پلیس که غالباً یا منحصراً به امور جوانان می‌پردازند یا عمدتاً به پیشگیری از جرم نوجوانان مشغولند، برای آن که وظایفشان را به بهترین نحو انجام دهند باید به شیوه خاصی آموزده و ورزیده شوند. در شهرهای بزرگ باید واحدهای پلیس خاصی برای این منظور تأسیس شود.»

در حقوق ایران به لحاظ عدم پیش بینی ضابطان دادگستری خاصی که با گذراندن دوره خاص آموزشی غالباً یا منحصراً در خصوص مربوط به اتهامات اطفال و نوجوانان فعال باشند، انجام مرحله مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق به عهده دادرس دادگاه یا به درخواست او به قضات تحقیق محول شده است. ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه مقرر می‌دارد: «در جرایم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق با رعایت مفاد تبصره ماده ۴۳ توسط دادرس یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می‌گیرد. دادگاه کلیه وظایفی را که در برابر قانون بر عهده ضابطین می‌باشد رأساً به عمل خواهد آورد.»

با این حال کمال مطلوب این است که مقامات انتظامی یا قضایی متصدی تعقیب و تحقیقات مقدماتی با کسب دوره آموزشی و تخصصی ناظر به کیفیت برخورد با اطفال و نوجوانان دارای ورزیدگی و مهارت خاص در این زمینه گردند و با توجه به این که در نظام قضایی فعلی ایران، مقنن گذراندن دوره‌های مزبور را برای مقامات انتظامی یا قضایی الزامی نکرده است، نقص مقررات مشهود به نظر می‌رسد. در لایحه پیشنهادی قانون





تشکیل دادگاه‌های اطفال و نوجوانان طبق مفاد ماده ۱۹ تعقیب و تحقیقات مقدماتی بر حسب سن و نوع اتهام ایشان به دادرسان دادگاه‌های اطفال و شعب خاصی از دادرسی که در معیت دادگاه اطفال انجام وظیفه می‌کند محول شده است و طبق تبصره همان ماده، ضابطان دادگستری در جرایم مشهود مکلفند پس از دستگیری متهم طفل یا نوجوان، بی‌درنگ و بر حسب مورد او را به دادرسی یا دادگاه اطفال معرفی نمایند. اشکال لایحه پیشنهادی این است که گذراندن دوره‌های آموزشی خاص را برای قضات دادرسی مزبور (دادستان، بازپرس و دادیار تحقیق) و نیز ضابطان دادگستری پیش بینی نکرده است.

### شیوه رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان

همان گونه که گفته شد در رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان مراجع ذیصلاح انتظامی و قضایی متصدی کشف، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و محاکمه همواره باید مصالح و منافع عالیه اطفال و نوجوانان را نصب العین خود قرار دهند و از هر گونه برخوردی که با شأن، منزلت و اعتماد به نفس ایشان مغایرت داشته باشد یا احیاناً کمکی در تشدید شرایط نامطلوب آنان نماید، احتراز نمایند. از این رو مقامات مزبور علاوه بر این که باید اصول دادرسی عادلانه و منصفانه را در برخورد با اتهامات اطفال و نوجوانان رعایت کنند، به آن دسته از حداقل قواعد اسناد بین‌المللی ناظر به دادرسی مخصوص اطفال و نوجوانان و قوانین موضوعه نشأت گرفته از اصول مزبور عنایت جدی داشته باشند؛ زیرا ارتقاء دادرسی نوجوانان و اطفال متضمن بخشی از روند توسعه ملی کشورها محسوب می‌شود (صندوق کودکان سازمان ملل متحد «یونیسف» و قوه قضائیه، ۱۳۷۱، ص ۷۶). در این بخش اهم موارد مربوط به نحوه دادرسی اطفال و نوجوانان در مرحله تعقیب و تحقیقات مقدماتی و رسیدگی را مطرح می‌نماییم.

### رعایت اصول بنیادین دادرسی کیفری

ماده ۷ از حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه اطفال و مواد ۳۹ و ۴۰ پیمان حقوق کودک، رعایت اصول و تضمینات اساسی دادرسی عادلانه و منصفانه



را در هنگام تعقیب، تحقیقات مقدماتی و دادرسی به اتهامات اطفال و نوجوانان لازم  
الرعایه اعلام کرده اند.

بدین ترتیب اصولی از قبیل اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت، حق  
اطلاع یافتن از اتهامات با ذکر دلایل آن، حق سکوت در تحقیقات و دادرسی، منع شکنجه  
و دیگر اذیت و آزار در هنگام تحقیقات و رسیدگی، حق مواجهه و طرح سؤال از شهود  
طرف مقابل و حق پژوهش خواهی از مراجع بالاتر باید در زمینه رسیدگی به اتهامات  
اطفال و نوجوانان کاملاً رعایت گردد.

در حقوق ایران عنوان فصل پنجم از باب دوم قانون آیین دادرسی کیفری اختصاص  
به ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال دارد، لیکن در مشروحه مواد ذیل این فصل (۲۱۹-۲۳۱)  
مقنن تصریحی به لزوم رعایت اصول بنیادین مزبور ننموده است.

با این حال طبق نظریه شماره ۷/۷۵۳۸ مورخ ۷۸/۱۰/۱۹ اداره حقوقی قوه قضائیه  
(*اداره کل تدوین و تنسیح قوانین و مقررات*، ۱۳۸۱، ص ۱۱۷) در رویه قضایی ایران رعایت اصول  
مزبور به شرح مواد عمومی قانون آیین دادرسی کیفری الزامی تلقی شده است. ماده ۳۱  
لایحه پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان به رفع این اشکال پرداخته، مقرر  
می‌دارد: «رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بر طبق مقررات این قانون انجام می‌شود و  
در غیر این موارد مذکور در این قانون تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است.»

### تسریع در رسیدگی

از آن جا که درک کودکان و نوجوانان تحت پیگرد قضایی از کیفیت ارتباط بین  
تصمیمات اتخاذ شده مراجع قضایی و عملکرد خود در انطباق شخصیت آنان به ارزشهای  
جامعه اهمیت بسزایی دارد و گذشت زمان به لحاظ عقلی، روانی - عاطفی و شرایط خاص  
اجتماعی موجب گسیختگی ارتباط مذکور می‌گردد (سندوق کودکان سازمان ملل متحد  
«یونیسف»، مجموعه مقررات بین‌المللی مربوط به دادرسی ویژه نوجوانان، ص ۱۳)، ماده ۲ از مجموعه  
حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل برای دادرسی ویژه اطفال و همچنین بندهای ۳ و ۲ ماده  
۴۰ پیمان حقوق کودک، صراحت و تأکید در اجتناب از تأخیر غیر ضروری در رسیدگی به



پرونده اطفال و نوجوانان دارد. در حقوق ایران در مقررات ناظر به رسیدگی دادگاه‌های اطفال و نیز در لایحه پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان بجز در تبصره ماده ۱۵ این لایحه در خصوص معرفی بی‌درنگ طفل یا نوجوان پس از دستگیری در جرایم مشهود توسط ضابطان دادگستری به قضات دادرسی یا دادگاه اطفال حسب مورد، اشاره ای نشده است.

## احضار یا جلب

یکی از وظایف اساسی و راهبردی مراجع ذیصلاح انتظامی و قضایی در دادرسی ویژه اطفال، قضا‌زدایی یا پرهیز از ورود اطفال و نوجوانان در عرصه دادرسی رسمی کیفری، یا اجتناب از تحقیقات و محاکمه رسمی یا در صورت ضرورت ورود ایشان به فرایند رسمی دادرسی کیفری به حداقل رساندن مواجهه با اطفال و نوجوانان است. ماده ۱۱ حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل برای دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان صراحت به این قاعده دارد. در حقوق ایران در راستای اعمال قاعده مزبور صدر ماده ۲۲۳ احضار یا جلب کودکان و نوجوانان را حسب مورد برای انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی از طریق ولی یا سرپرست قانونی ایشان اعلام کرده است. با این حال در قسمت اخیر ماده این امر را مانع از احضار و جلب آنان ندانسته است. به نظر می‌رسد که قسمت اخیر ماده برای رعایت قاعده مورد اشاره نباید مشروط به عدم امکان دسترسی ولی یا سرپرست قانونی و جلوگیری از فوت وقت گردد.

## ضرورت حضور والدین، سرپرستان قانونی و مشاور حقوقی

به هنگام انجام تحقیقات و رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان، حضور والدین یا سرپرستان قانونی طفل یا نوجوان و همچنین وکیل یا مشاور حقوقی از حیث حمایت و معاضدت روانی - عاطفی و حقوقی ایشان دارای کمال اهمیت است. به همین جهت طبق ماده ۱۵ حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل برای دادرسی ویژه اطفال و بند ۳ ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک حضور ایشان در هنگام تحقیقات و دادرسی ضروری است.



در عین حال حسب قواعد مزبور، اگر حضور والدین یا سرپرستان قانونی، به تشخیص مرجع ذیصلاح قضایی، مصلحت و منفعت آنان را در فرآیند دادرسی تأمین نکند، الزامی به حضور ایشان نیست.

در حقوق ایران طبق ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری، قاضی مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید که شخصاً در دادگاه حاضر شود یا برای او وکیل تعیین کنند. چنانچه اقدام به تعیین وکیل نکرده و شخصاً حاضر نشوند، دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد. در عین حال حسب ماده ۲۲۵ همان قانون، در صورتی که دادگاه حضور ولی یا سرپرست قانونی طفل را لازم نداند، بدون حضور ایشان رسیدگی خواهد کرد.

نکته قابل ذکر این است که در اسناد بین المللی مورد اشاره، حضور وکیل یا مشاور حقوقی در رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان در هر حال الزامی است (بیمان حقوق کودک، بند ۳ قسمت ب ماده ۴۰). به این معنی که چنانچه ولی یا سرپرست قانونی با وجود حضور خود در تحقیقات و دادرسی مبادرت به تعیین وکیل یا مشاور حقوقی ننماید، حق درخواست معاضدت حقوقی رایگان برای اطفال و نوجوانان پیش بینی شده است. حال آن که در حقوق ایران، چنانچه ولی یا سرپرست قانونی طفل در جلسه رسیدگی حاضر شود، با وجود عدم تعیین و معرفی مشاور حقوقی، دادگاه حق رسیدگی دارد.

با این حال، طبق تبصره ۲ ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه مکلف است در رسیدگی به جرایمی که دارای مجازات اعدام، قصاص نفس، حبس ابد و رجم هستند، مانند رسیدگی به جرایم بزرگسالان در صورتی که ولی یا سرپرست قانونی مبادرت به تعیین و معرفی وکیل نکرده باشند، علی رغم حضور خودشان در جلسه دادرسی با حضور وکیل تسخیری به اتهام طفل یا نوجوان رسیدگی کند. ماده ۲۴ لایحه پیشنهادی تا حدودی به رفع نقص مزبور پرداخته و مقرر می‌دارد: «در جرایمی که مجازات قانونی آن، اعدام یا حد یا قصاص یا حبس ابد یا ۳ سال یا بیش از ۳ سال حبس باشد دادگاه اطفال و نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی متهم اعلام می‌نماید که وکیل برای او تعیین نماید. در غیر این صورت دادگاه وکیل تسخیری برای متهم تعیین می‌نماید. در جرایمی که مجازات قانونی



آن جریمه نقدی یا شلاق و یا کمتر از ۳ سال حبس باشد، ولی یا سرپرست قانونی طفل می‌تواند برای دفاع از او در دادگاه حاضر شود و یا وکیل برای دفاع از او تعیین نماید».

همان گونه که ملاحظه می‌شود، در قسمت اخیر ماده ۲۴ لایحه پیشنهادی، چنانچه ولی یا سرپرست قانونی شخصاً در دادگاه حاضر نشود و وکیل یا مشاور حقوقی هم معرفی نکند، برای دادگاه تکلیف قانونی تعیین وکیل تسخیری مقرر نشده است. البته با توجه به ماده ۳۱ لایحه پیشنهادی که در موارد سکوت لایحه پیشنهادی، دادگاه را مکلف به رعایت مواد عمومی قانون آیین دادرسی کیفری نموده است، این اشکال قابل رفع است، زیرا به موجب ماده ۲۲۰ قانون مزبور، چنانچه ولی یا سرپرست قانونی شخصاً در جلسه تحقیقات و رسیدگی حاضر نشوند و وکیل هم معرفی ننمایند، دادگاه مکلف به تعیین وکیل تسخیری گردیده است.

### ضرورت تشکیل پرونده شخصیت

ماده ۱۶ از مجموعه حداقل قواعد سازمان ملل برای دادرسی ویژه اطفال، بر ضرورت تشکیل پرونده شخصیت جز در مورد اتهامات جزئی اطفال و نوجوانان، در طول جریان تحقیقات و دادرسی تصریح نموده است.

پرونده شخصیت، حاوی گزارشی از اظهار نظر متخصصان روان شناسی کودک، پزشک، روانکار و مددکار اجتماعی، در زمینه وضعیت روحی و روانی- جسمی و شرایط و موقعیت خاص اجتماعی و خانوادگی اطفال و نوجوانان تحت پیگرد قضایی است. ضرورت تشکیل این پرونده از آن جهت که قاضی می‌تواند با مطالعه و بررسی آن، اشراف کافی و وافق به وضعیت کودک یا نوجوان تحت پیگرد پیدا کند تا عکس‌العملی متناسب با شخصیت او اتخاذ نماید، کاملاً قابل درک است (دانش، ۱۳۶۸، ص ۱۰۱-۱۰۲). ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب سال ۱۳۳۸ و ماده ۲۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۷۸، تشکیل پرونده شخصیت را با هر نوع اتهام اعم از خرد و کلان به تشخیص قاضی دادگاه موکول نموده و الزامی برای تشکیل آن



حتی در موارد اتهامات سنگین مقرر نکرده‌اند. این نقص عمده ای در قانون فعلی محسوب می‌شود.

ماده ۲۲ و تبصره مربوط در لایحه پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان به رفع این اشکال همت گماشته و در مفاد آن مقرر می‌دارد که در جرایمی که مجازات قانونی آن قصاص، اعدام، حد، حبس ابد یا حبس سه سال به بالا می‌باشد، تشکیل پرونده شخصیت الزامی و در سایر موارد موقوف به تشخیص قاضی دادگاه است. این ماده در راستای اصول دادرسی ویژه اطفال و قواعد بین المللی تدوین گردیده است.

### بازداشت پیش از محاکمه

به لحاظ آثار منفی مترتب برقرار بازداشت موقت قبل از محاکمه، از حیث خطر آلودگی به بزهکاری بخصوص درباره اطفال و نوجوانان و نیز مغایرت آن با اصل برائت به جهت تجانس با حبس، حسب موازین فقهی و قواعد بین المللی و اصول آیین دادرسی کیفری، صدور قرار بازداشت موقت در مرحله تحقیقات و رسیدگی به اتهام اشخاص بزرگسال، تحت شرایط و مقررات ویژه با رعایت احتیاط و حزم آن هم در جرایم واجد درجه خطرناکی شدید، مثل قتل عمد امکان پذیر است (مؤلف زادگان، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷-۱۲۲).

در هنگام تحقیق و رسیدگی به اتهام کودکان و نوجوانان، بازداشت پیش از محاکمه از حساسیت و ظرافت بیشتری برخوردار است. با توجه به بند ب ماده ۳۷ پیمان حقوق کودک و ماده ۱۳ حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل برای دادرسی ویژه اطفال، بازداشت پیش از محاکمه باید بعنوان آخرین راه چاره و برای کوتاهترین مدت زمان به کار گرفته شود.

توجه به این نکته ضروری است که قاضی دادگاه اطفال به هیچ وجه نباید امکان آلودگی اطفال و نوجوانان تحت بازداشت موقت را به بزهکاری نادیده بگیرد. در شرایطی که خطرات و مضرات بازداشت موقت و حبس برای بزرگسالان جدی قلمداد گردیده و توصیه به اتخاذ واکنش‌های جایگزین حبس بطور روز افزون تکرار می‌شود، این خطرات و مضرات در مورد کودکان و نوجوانان به مراتب بیشتر احساس می‌شود. لذا قضات دادگاه



اطفال و نوجوانان به منظور در اختیار داشتن ایشان در طول جریان تحقیقات و دادرسی باید به روش‌های جایگزین تمسک جویند. اقداماتی از قبیل سپردن به والدین یا سرپرستان قانونی و در صورت فقدان یا عدم صلاحیت آنان به اشخاص دیگر با تعهد معرفی کردن در صورت نیاز به حضور نزد مقامات قضایی، نگهداری در محیط آموزشی و در نهایت اخذ التزام به قید وجه التزام، اخذ کفیل به قید وجه الکفاله، سپردن وثیقه از ناحیه والدین یا سرپرستان قانونی یا اشخاص دیگر برای منظور فوق می‌تواند راهکارهایی مناسب برای جلوگیری از مضرات بازداشت موقت اطفال و نوجوانان باشد.

در حقوق ایران طبق ماده ۲۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری، نگهداری موقت پیش از محاکمه طفل یا نوجوان در کانون اصلاح و تربیت کودکان، یا محل مناسب دیگری در صورت فقدان کانون اصلاح و تربیت به تشخیص دادگاه، در دو فرض پیش‌بینی شده است:

#### **فرض اول-** در صورتی که نگهداری طفل برای انجام تحقیقات یا جلوگیری از تبانی

نظر به اهمیت جرم ضرورت داشته باشد.

#### **فرض دوم-** چنانچه ضرورتی به نگهداری طفل یا نوجوان نباشد، اما برای دسترسی

و معرفی او در مواقع لزوم به مقامات قضایی، طفل یا نوجوان ولی یا سرپرست قانونی نداشته یا ولی و سرپرست قانونی او حاضر به التزام به قید وجه التزام یا دادن وثیقه نباشند و شخص دیگری نیز التزام و وثیقه ندهد.

اشکال عمده قانون مزبور این است که در فرض اول، مقنن مبادرت به احصای جرایم دارای خطرناکی شدید که اهمیت جرم ضرورت بازداشت را توجیه می‌کند، نکرده است. حتی در رسیدگی به جرایم بزرگسالان، بازداشت موقت وقتی جایز دانسته شده است که اتهام فرد، طبق اصول آیین دادرسی کیفری، واجد درجه خطرناکی شدید باشد.

مفاد ماده ۱۹ لایحه پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان که به رفع نقص

قانون فعلی پرداخته است، مقرر می‌دارد:

**اولاً-** نگهداری موقت اطفال و نوجوانان ۶ تا ۱۲ سال مجاز نیست. این افراد باید به

ولی یا سرپرست قانونی، یا در فقدان آنان به هر شخص حقیقی یا حقوقی که دادگاه



مصلحت بداند، سپرده شود. اشخاص مذکور ملزم اند هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد، او را به دادگاه معرفی نمایند.

**ثانیاً-** در مورد اطفال و نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال تمام، به تشخیص داسرا یا دادگاه به ترتیب فوق اقدام می‌شود و یا متهم با اخذ کفیل آزاد می‌شود.

**ثالثاً-** فقط در جرایم موجب قصاص یا اعدام یا حد یا حبس ابد یا ۳ سال حبس به بالا، حسب مورد داسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با رعایت ضوابط مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری قرار بازداشت موقت صادر کند.

### غیر علنی بودن تحقیقات و دادرسی

چنانچه در مواجهه با رفتار کودکان و نوجوانان معارض با قانون، امکان تحقیق و رسیدگی غیر رسمی و خارج از فرآیند دادرسی کیفری و نظام قضایی رسمی امکانپذیر نباشد، فرآیند کشف، تحقیقات مقدماتی و دادرسی باید به گونه‌ای سازمان دهی شود که حریم شخصی ایشان کاملاً رعایت گردد.

علنی نمودن فرآیند کشف، تحقیقات مقدماتی و دادرسی و افشای هویت و مشخصات اطفال و نوجوانان از طریق مطبوعات و رسانه های گروهی، یا حضور افراد، به شخصیت و حیثیت آنان لطمه جبران ناپذیر وارد کرده و موجب سلب اعتماد به نفس ایشان خواهد گردید. طرح اتهام طفل یا نوجوان در کوچه و بازار و بر چسب زنی جرم به وی موجب خدشه دار شدن شخصیت طبیعی او می‌گردد و وی خود را در قالب مجرم تصور و تجسم می‌نماید. آنگاه در مسیر اصلاح و تربیتش معضلات اساسی ایجاد می‌شود. از این رو طبق بند ۷ پیمان حقوق کودک، در کلیه مراحل دادرسی، حریم شخصی طفل کاملاً باید محفوظ بماند. دو بند ماده ۸ از مجموعه حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل برای دادرسی ویژه اطفال، نیز به ضرورت حفظ حریم شخصی اطفال و نوجوانان در کلیه مراحل دادرسی، به منظور اجتناب از آسیب رساندن به ایشان در نتیجه تبلیغات بی‌مورد یا فرآیند برچسب زدن اتهام تأکید گردیده و به اصل ممنوعیت انتشار هویت آنان از هر گونه طریق، اشاره شده است.





ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران به این اصل اساسی اشاره نموده و مقرر می‌دارد: «رسیدگی به جرایم اطفال عننی نخواهد بود. در دادگاه فقط اولیاء و سرپرستان قانونی طفل و وکیل مدافع و شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت که دادگاه حضور آنان را لازم بداند حاضر خواهند شد. انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه‌های گروهی و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات طفل متهم ممنوع و متخلف به مجازات قانونی مندرج در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.<sup>۱</sup>

### نحوه اتخاذ تصمیم و صدور حکم

هدف اصلی از کشف، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و دادرسی در رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان معارض باقانون، آموزش، اصلاح و تربیت و بازسازی شخصیت و ایجاد سازگاری در آنان با ارزش‌های اخلاقی - اجتماعی و مبانی دینی است؛ لذا در صورتی که قضات دادگاه اطفال و نوجوانان در خاتمه تحقیقات مقدماتی و دادرسی، ارتکاب جرمی را احراز کنند، باید با لحاظ ضوابط و معیارهای شناخته شده اصول دادرسی ویژه اطفال مبادرت به اتخاذ تصمیم نمایند (صانع، بی، ج ۲، ص ۲۲).

حسب معیارهای مزبور تصمیمات اتخاذ شده در برابر رفتار کودکان و نوجوانان باید متناسب با شدت جرم ارتكابی، شخصیت و وضعیت خاص ایشان، فاقد شائبه آزار رسانی در سرکوب و انتقام‌گیری باشد. قضات باید مواظب باشند که در سرانجام اجرای این تصمیمات، حس پرخاشگری و انتقام‌جویی و خصومت‌مداری کودکان و نوجوانان معارض با قانون را ایجاد یا تقویت نکنند.

---

۱- ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «اطبیا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون ریال و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند».



البته بررسی ماهیت این تصمیمات یا واکنش‌های جزایی در قبال رفتار کودکان و نوجوانان معارض با قانون و نحوه اجرای آنها و نیز کنکاش در اسناد بین‌المللی، حقوق اسلام و قوانین موضوعه در این زمینه، موضوع بررسی حقوق جزای ماهوی و مقاله مستقلی است که خارج از حوصله و حیطه بررسی مقاله حاضر با محوریت حقوق شکلی (آیین دادرسی) رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان می‌باشد. بند ۱ ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک و ماده ۱۷ از مجموعه حداقل قواعد سازمان ملل برای دادرسی ویژه اطفال تحت عنوان اصولی راهنما در صدور حکم و اتخاذ تصمیم مفاداً به موازین مورد اشاره صراحت دارد.

### حضورى بودن رأی

در رسیدگی به جرایم بزرگسالان، حسب مقررات آیین دادرسی کیفری، چنانچه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حضور نداشته و لایحه دفاعیه نفرستاده باشند، در جرایمی که دارای جنبه حق الهی نیست، دادگاه رسیدگی نموده، مبادرت به صدور رأی غیابی می‌کند. رأی غیابی در ظرف مهلت مقرر قابل واخواهی و تجدید نظر خواهی است (ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸). لیکن در رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان، با وجود دسترسی به آنان، ممکن است مصالح و منافع ایشان اقتضا داشته باشد که رسیدگی در تمام یا قسمتی از مراحل دادرسی در غیاب آنان انجام شود. در عین حال رأی صادره در پایان رسیدگی به شیوه مزبور، حضوری تلقی خواهد شد.

ماده ۲۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مقرر می‌دارد: «در صورتی که مصلحت طفل اقتضا نماید، رسیدگی در قسمتی از مراحل دادرسی در غیاب متهم انجام خواهد گرفت و در هر حال رأی دادگاه حضوری محسوب می‌شود.»

چنانچه ملاحظه می‌شود، ماده اخیر الذکر تصریح به جواز دادرسی غیابی و حضوری تلقی کردن رأی در قسمتی از دادرسی دارد، اما طبق ماده ۱۰ قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۳۸ و همچنین ماده ۲۳ لایحه پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه



اطفال و نوجوانان، دادگاه می‌تواند در صورت اقتضای مصلحت، رسیدگی در قسمتی از مدت دادرسی و تمامی آن را غیابی برگزار نماید. و در هر صورت رأی صادره حضوری تلقی می‌شود.

## قابلیت تجدید نظر تصمیمات در مراجع عالی قضایی و صادر

### کننده رأی

همان گونه که قبلاً گفته شد، تضمینات دادرسی عادلانه و منصفانه از قبیل پژوهش خواهی باید در دادرسی اطفال و نوجوانان رعایت شود. به همین لحاظ تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان در مراجع عالی و حسب تشریفات و مقررات مربوط قابل تجدید نظر خواهی می‌باشد. در عین حال، ویژگی مربوط به دادرسی اطفال و نوجوانان در آن است که مرجع صادر کننده رأی حسب گزارش‌هایی که از بهبود و پیشرفت وضعیت طفل در طول مدت نگهداری یا مراقبت و تحت نظر از مسئولان ذی ربط دریافت می‌نماید، می‌تواند در تصمیمات اتخاذ شده قبلی تجدید نظر نماید. زیرا با عنایت به هدف‌های تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، چنانچه قاضی صادر کننده رأی در اثبات مدت نگهداری یا اجرای تصمیمات، احراز کند که تربیت و اصلاح کودک یا نوجوان محقق گردیده یا قریب به تحقق است، باید برای وی امکان لغو مدت نگهداری، تخفیف آن و یا عدم اجرای تصمیمات، پیش‌بینی شده باشد.

بند ۵ ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک و ماده ۷ از مجموعه حداقل قواعد سازمان ملل برای دادرسی ویژه اطفال به ضرورت قابل پژوهش بودن تصمیمات دادگاه اطفال تصریح نموده است.

ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری به قابل تجدید نظر بودن آراء دادگاه رسیدگی کننده به اتهام اطفال برابر مقررات مربوط تصریح نموده است. در عین حال طبق ماده ۲۲۹، دادگاه رسیدگی کننده حسب گزارش‌هایی که از وضع طفل و تعلیم و تربیت آن از کانون اصلاح و تربیت دریافت می‌کنند، می‌تواند در تصمیمات قبلی خود یک بار تجدید نظر نماید. به این طریق که مدت نگهداری را تا یک چهارم تخفیف دهد.



همان گونه که ملاحظه می‌شود، دادگاه صادر کننده رأی، بدون محدودیت زمانی از هنگام صدور رأی می‌تواند از حق تجدید نظر در رأی صادره خود برخوردار شود. نکته قابل ذکر این است که از مفاد ماده، دو تفسیر می‌توان استنباط کرد. تفسیر اول این که دادگاه صادر کننده رأی می‌تواند میزان نگهداری را تا سه چهارم تخفیف داده، به میزان یک ربع کاهش دهد. تفسیر دوم به این نحو که فقط مجاز است که یک ربع تخفیف قائل شود. عجیب این که اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۸۲۶ مورخ ۸۰/۹/۳ (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۱، ص ۱۱۹) برخلاف اصول ویژه دادرسی اطفال که به دادگاه صادر کننده رأی حق نظارت و تأثیر بخشی اجرای تصمیمات خود و لغو یا تغییر آنها را در راستای تحقق آموزش و اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان می‌دهد و نیز در جهت تفسیر قانون به ضرر طفل، اعلام نموده است که دادگاه صادر کننده فقط تا یک ربع حق تخفیف مدت نگهداری را برای یک بار تجدید نظر دارد.

در لایحه پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان در مواد ۳۲-۳۴ دو نوع واکنش جزایی پیش بینی شده است. نوع اول که از حیث ماهیت، اقداماتی آموزشی- تربیتی - درمانی از قبیل تسلیم به اولیاء یا سرپرستان قانونی برای تعلیم و تربیت و مراقبت و یا اخذ تعهد از ایشان جهت فرستادن طفل یا نوجوان نزد مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و یا به یک مؤسسه آموزشی، فرهنگی به منزله آموزش محسوب می‌شود و نوع دوم که نگهداری در کانون اصلاح و تربیت است. وفق تبصره ۱ ماده ۳۳، در مورد تصمیمات دسته اول، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات بعمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، در تصمیم قطعی خود، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند، تجدید نظر نماید. اما در مورد نگهداری یا حبس (نوع دوم تصمیمات)، مطابق ماده ۳۵ همان لایحه، حسب گزارش‌های مزبور فقط می‌تواند مدت تصمیم یا محکومیت را مشروط به گذراندن یک سوم از مدت نگهداری یا محکومیت، تا یک چهارم تقلیل دهد.

از مطالب گفته شده نتیجه گرفته می‌شود که حسب موازین و اصول علمی دادرسی کیفری و اسناد بین‌المللی حقوق کودک، در نظام‌های دادرسی کیفری کشورها، برای



رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان، به هنگام تعقیب، تحقیقات مقدماتی، دادرسی، صدور حکم و... مقررات ویژه‌ای در مقایسه با رسیدگی به اتهامات بزرگسالان مقرر شده است.

به نظر می‌رسد که ویژگی‌های مزبور به لحاظ تأمین منافع عالی کودکان و نوجوانان، با توجه به روایات معتبر در تکریم شخصیت و تعلیم و تربیت و مواظبت اطفال و نیز عدم وجود هیچ گونه ردعی و منعی، مغایرتی با موازین حقوق اسلام ندارد و قابل اعمال در نظام دادرسی کیفری ایران می‌باشد.

در نظام دادرسی کیفری ایران برخی از ویژگی‌های دادرسی کیفری اطفال، از قبیل ضرورت غیر علنی بودن و حفظ حریم شخصی در رسیدگی به اتهامات، ضرورت ابلاغ وقت دادرسی به اولیاء یا سرپرستان قانونی و حضور ایشان در جلسات دادرسی در صورت مصلحت طفل یا نوجوان، و قابل تجدید نظر بودن تصمیمات راجع به اتهام اطفال و نوجوانان در مراجع عالی تجدید نظر و دادگاه صادر کننده رأی، پیش بینی شده است.

در عین حال در حقوق ایران برخی از ویژگی‌های مهم دادرسی اطفال و نوجوانان، از قبیل تشکیل دادگاه ویژه مجزای از دادگاه‌های عمومی، ایجاد دوره‌های آموزشی خاص برای ضابطان و قضاتی که منحصراً یا غالباً در امور قضایی اطفال و نوجوانان فعالیت دارند، اجباری نمودن تشکیل پرونده شخصیت در جرایم مهم، الزامی نمودن حضور وکیل یا مشاور حقوقی در جرایم مهم دیگری علاوه بر جرایمی که مجازات قانونی آنها اعدام، قصاص نفس، حبس ابد و رجم است، اعمال نمی‌گردد.

لایحه اخیر پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان قوه قضائیه که برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه گردیده، در جهت ارتقاء دادرسی ویژه اطفال، بسیاری از کاستی‌های موجود را مرتفع نموده است. این لایحه در صورت تصویب نهایی می‌تواند در جهت تطبیق با اصول دادرسی کیفری و اسناد بین‌المللی حقوق کودک و موازین حقوق اسلام، اقدامی اساسی محسوب شود.



### کتابنامه:

- ✓ آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، قم، نشر اشراق، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ✓ آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ✓ الحر العاملی، محمد بن الحسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تهران، مکتبه الاسلامیه، الطبعة الخامسة، ۱۳۹۹ هـ
- ✓ الجبعی العاملی، زین الدین (الشهید الثانی)، *شرح اللمعه*، بیروت، دارالعالم الاسلامی، بی تا
- ✓ دانش، تاج زمان، *دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی*، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۸
- ✓ صانعی، پرویز، *حقوق جزای عمومی*، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی، چاپ سوم، بی تا
- ✓ صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، *مجموعه سخنرانی‌های ارائه شده در کارگاه آموزشی دادرسی ویژه جوانان*، مترجم حمید مرعشی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸
- ✓ محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر، *شرایع الاسلام*، نجف اشرف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۹ هـ
- ✓ مؤذن زادگان، حسن علی، *نقل و بررسی قرار بازداشت موقت در قانون دادرسی*، تهران، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۴، بهار - تابستان، ۱۳۸۰
- ✓ ناصرزاده، هوشنگ، *مجموعه آراء وحدت رویه قضایی*، تهران، آگاه، چاپ اول، ۱۳۷۳
- ✓ عباچی، مریم، *حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد*، تهران، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۸۰
- ✓ — اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۱



- ✓ — قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸
- ✓ — قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ✓ — قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰
- ✓ — قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهدکار مصوب سال ۱۳۳۸
- ✓ — قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵
- ✓ — معاهده حقوق کودک مصوب ۱۹۸۵ م سازمان ملل متحد
- ✓ — مقررات پکن مصوب ۱۹۸۵ م سازمان ملل متحد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی